بسم ربّنا الأقدس الأعظم الأبهی

حمداً لمن لا یوصف بالمقال الّذی لا یقوم معه الرّجال و الأبطال و هو الظّاهر فی یوم المآل لا اله الّا هو الغنیّ المتعال و بعد عرض میشود مکتوب جناب س‌م علیه بهآء اللّه الأبهی که بآنجناب نوشته‌اند در ساحت اقدس عرض شد اینست بیانیکه از ملکوت بیان بامر رحمن ظاهر یا سمندر قد عرض العبد الحاضر ما ارسلته الی اسم الجود

اینکه در بارهٴ جناب آقا مرتضی قلی نوشته بودید لدی المظلوم ذکر شد انشآءاللّه عنایت محبوب امکان جمیع دوستان را شامل شود و از خسران در جمیع عوالم محفوظ دارد ولکن فی‌الحقیقه خسران از برای نفوسی است که الیوم از حقّ محروم و ممنوعند والّا نفوسیکه بانوار وجه فائزند و بافق اعلی ناظر صاحب مقامی هستند که کنوز ارض و خزائن آن و لآلی بحر و معادن جبال باو معادله ننماید وقتیکه جناب اسم اللّه م‌ه در عراق بود مبلغی نزد او جمع شد و اراده نمود بسجن ارض سرّ ارسال دارد بعد سارقی مطّلع شد و آن مال را سرقت نمود و جناب مهدی عریضه بساحت اقدس فرستاد که نوحه و ندبه از آن مرتفع بود و کدورات و احزان لا تحصیه از آن مشهود و این کدورات او نظر بآن بوده که اراده‌اش بظهور نرسید بعد از ساحت اقدس جواب نازل و ارسال شد باینمضمون ای مهدی اشیای فانیه قابل و لایق نفوس فانیه بوده و خواهد بود شما از اینفقره مکدّر نباشید ان افرح بذکر ربّک و ما یذکرک به مولاک جهد نمائید تا دارای شیئی شوید که فنا آنرا اخذ ننماید و دست خائن و سارق باو نرسد یا سمندر چه مقدار از نفوس که بکمال سعی و اجتهاد مشتی از زخارف جمع مینمایند و کمال فرح و شادی را از جمع آن دارند ولکن در باطن از قلم اعلی بدیگران محوّل شده یعنی نصیب خود ایشان نیست بسا میشود که باعدای آن نفوس میرسد اعاذنا اللّه و ایّاکم من هذا الخسران المبین عمر تلف شد و شب و روز زحمت کشیده شد و مال هم سبب وبال گشت اکثر اموال ناس طاهر نیست اگر ناس بما انزله اللّه عامل باشند البتّه عنایت حقّ آن نفوس را محروم نگذارد در هر حال فضلش مراقب و رحمتش متوجّه خواهد بود جناب آقا مرتضی قلی محزون نباشند انشآءاللّه دارا شوند امری را که ذکرش بدوام ملک و ملکوت در ارض باقی ماند چه که الیوم هر نفسی قادر است بر تحصیل مقامات باقیه این مناجات را قرائت نمایند

سبحانک یا من فی فراقک احترق المقرّبون و فی هجرک صاح الموحّدون و فی بعدک ناح المخلصون اسألک بالاسم الّذی به فتحت ابواب الخیرات علی من فی الأرضین و السّموات و به سرت سفینة فضلک علی بحر عطائک و جرت جداول رحمتک فی جهات مملکتک بأن تؤیّدنی علی ما تحبّ و ترضی و تقدّر لی ما یحفظنی عن خیانة کلّ خائن و حیل کلّ محتال و ضرّ الّذین کفروا بک و بآیاتک ای ربّ قد اخذت بأیادی الرّجآء ذیل کرمک یا مالک الأسمآء اسألک بأن لا تخیّبنی عمّا قدّرته لأصفیائک الّذین نبذوا ما عندهم و اخذوا ما امرتهم به فی کتابک ثمّ اسألک یا مقصود العالم و الظّاهر بین الأمم بالاسم الأعظم بأن تنزل علیّ من سمآء فضلک و سحاب جودک ما یجمع به ما تشتّت منّی ثمّ اکتب لی بعنایتک ما یجعلنی غنیّاً عن دونک و ینفعنی فیکلّ عالم من عوالمک انّک انت المقتدر علی ما تشآء باسمک المهیمن علی الأشیآء لا اله الّا انت العلیم الحکیم ثمّ اسألک بسلطان الأسمآء بأن تنزل علی اخی ما تصلح به اموراته الّتی منعته عن عرفانک ای ربّ انت اعلم به منّی و منه و انّک انت ارحم الرّاحمین

یا سمندر اینکلمات عالیات که از سماء عنایت نازل تلاوت نمایند و اگر یک بار درست قرائت نمایند کافیست باید جمیع امور بروح و ریحان واقع شود در اینظهور امنع اقدس اعلی نهی نمودیم عباد را از ذکر در معابر و اسواق چنانچه در کتاب اقدس که از ملکوت مقدّس الهی نازل شده اینفقره ثبت گشته طوبی لنفس عملت بما امرت به من لدن علیم حکیم از حقّ جلّ و عزّ بخواهید تا غافلین را آگاه نماید و از فیوضات سحاب عنایت خود محروم نفرماید این امورات که در ارض حادث میشود از قبیل خسران مال و اختلافات عالم و تغییرات آن جمیع را بمثابهٴ منادی ملاحظه کنید انسان را بافصح بیان ندا میکند و خبر میدهد عمّا یرد علیه فی الاستقبال انشآءاللّه حقّ آذان واعیه عطا فرماید تا کل بامری قیام نمایند که سبب نجاح و فلاح شود الأمر بید اللّه ربّ العالمین

ای سمندر جناب م‌ر علیه بهآء اللّه را بعنایت حقّ مسرور دارید قل لک ان تقرأ لوح الرّئیس و لوح الباریس چه که این دو لوح مبارک انسان را بمقام ایقان فائز میفرماید و بعد از ایقان و عمل بآنچه امر نمودیم البتّه ابواب خیرات بر وجه شما مکشوف میگردد لا تحزن من شیء توکّل علی اللّه ربّک الکریم انّه یأخذ کلّ ید ارتفعت الیه و یسمع کلّ ذکر نطق به عباده و یجیب کلّ سائل تمسّک بحبله المحکم المتین الحمد للّه ربّ العالمین انتهی از قول اینعبد خدمت ایشان تکبیر برسانید و بگوئید انشآءاللّه بعنایت رحمن موفّق خواهید شد انّ ربّنا الرّحمن لهو المقتدر القدیر

و همچنین فقرهٴ جناب آقا عبدالحسین علیه بهآء اللّه را ذکر نموده بودید که بتوسّط ایشان مبلغ مذکور از ارض سلام و ارض هاء و م به حدبا ارسال شده در این فقره جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهآء اللّه هم از ارض تاء مکتوبی باینعبد نوشته بودند و سؤال نموده بودند که مبلغ سی تومان در اینجا موجود شده که باید بارض حدبا ارسال شود و همچنین از جای دیگر و بعد از عرض بساحت اقدس کلماتی از مطلع امر مشرق و حسب الأمر آنکه صورت همان کلمات عالیات نزد آنجناب ارسال شود که ارسال دارند قوله عزّ ذکره فی جواب میرزا ابوالحسن علیه بهآء اللّه اینکه در بارهٴ موصل نوشته بودید فرمودند اولی آنکه ببشارة و بشّر الصّابرین بعد از کلمهٴ مبارکهٴ و لنبلونّکم ملتفت میشدند اگرچه در این سنه قحط اکثر بلاد را فراگرفته ولکن انتشار اینگونه امور از دوستان شاید سبب بعضی از حوادث شود ذکر این امور و نشر آن در هر حال باذن باید واقع شود انّه اعلم بعباده منهم انّه لهو الفرد العلیم الحکیم انتهی و هر نفسی بکمال شوق و اشتیاق اراده کند حقوق اللّه را ادا نماید باید بامثال آنجناب و معتمدین بدهد و قبض اخذ نماید تا آنچه واقع میشود باذن و اجازهٴ حقّ واقع شود انّه لهو المعلّم الحکیم

و فرمودند بنویس طوبی لک یا عبدالحسین بما سمّیت بهذا الاسم العظیم انّا ذکرناک من قبل و نذکرک فیهذا الحین فضلاً من عندی و انا الذّاکر العلیم طرف عنایت بشما متوجّه بوده و خدمات شما فی سبیل اللّه مشاهده شد و نیّات خیریّهٴ شما هم در ساحت اقدس مشهود بوده ان اشکر اللّه بهذا الذّکر المبین

و اینکه در بارهٴ حدبا نوشته بودند بعبد حاضر امر نمودیم که آنچه به ابوالحسن از اهل الف و را نوشته شد بشما بنویسند تا مطّلع شوید فأسأل اللّه بأن یجعلک مؤیّداً علی ما یرتفع به امره و یثبت به ذکرک فی کتابه الحکیم الحمد للّه العلیّ العظیم انتهی

و همچنین در بارهٴ قطعهٴ ارضیکه مشابه بقطعهٴ صغیرهٴ این عبد است خریده‌اند تلقاء وجه عرض شد این جواب از افق بیان مشرق نعم ما عملت انشآءاللّه از آثار باقیه محسوبست و در این ارض هم حسب الأمر قطعهٴ ارضی اخذ شد تا آثار باقیه باشد لمن اراد الخیر انّ الفضل بیده یختصّ به من یشآء انّ ربّک لهو الفضّال القدیم امثال این امور بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده خواهد بود چه که باسم حقّ در ایّام حقّ واقع شده انتهی

و اینکه در بارهٴ موفّقیّت بعضی از احبّا نوشته بودید که بعابرین سبیل و فقرای بلد گاهی انفاق مینمایند در ساحت اقدس عرض شد فرمودند اینفقره بسیار محبوب بوده و خواهد بود طوبی لمن وفّقه اللّه علی الانفاق فی سبیله انّه ینزل علیه البرکة من سمآء الفضل انّه ولیّ الأغنیآء و الفقرآء و المساکین

یا سمندر کبّر من قبلی احبّائی فی هناک الّذین ما منعتهم الأوهام عن صراطی المستقیم قل تاللّه الحقّ سوف تجدون ما عملتم و صبرتم و رأیتم و سمعتم فی سبیل اللّه ربّ العالمین لا یعزب عن علمه ذرّة من اعمالکم انّه یشهد و یری و هو السّمیع البصیر یشهد لکم کلّ الأشیآء ولکنّ النّاس اکثرهم من النّائمین سوف یقومون من نفحات العذاب و یرون ما انکروه فی اللّیالی و الأیّام انّ ربّک لهو العلیم الخبیر

ثمّ اعلم انّا ذکرنا الجواد بآیات تفرح بها افئدة المقبلین و نزّلنا للعندلیب ما فاح به عرف رحمة ربّک الغفور الکریم

یا سمندر جمیع دوستانرا تکبیر برسان کل لدی العرش مذکورند و در هر کرّه قلم اعلی بایشان متوجّه و از شطر سجن ایشانرا ندا مینماید انشآءاللّه در جمیع احیان باینمقام اعلی فی‌الحقیقه فائز باشند و ثمر زحمات ایشان در ارض ظاهر خواهد شد جناب اسم جود علیه بهائی در این ارض ذکر منتسبین خود را نموده کل را بعنایت الهی بشارت ده و بذکرش مسرور دار انّه یذکر من ذکره و انّه هو خیر الذّاکرین و الحمد للّه ربّ العالمین

این خادم فانی اراده نموده که خدمت آنمحبوب تکبیر بفرستد ولکن معلوم نیست که بچه طرزی از طراز و بچه قسمی از اقسام و بچه ذکری از اذکار و بچه قصّه‌ئی از قصص عالم خود را موافق نماید تا ذکر نماید و یا بعرصهٴ بیان جلوه دهد اشهد انّی انا الکلیل الحقیر الفقیر المسکین المحتاج الی اللّه الغنیّ المقتدر العلیم الحکیم و همچنین خدمت محبوبی جناب اخوی علیه بهآء اللّه الأبهی و جمیع دوستان بهآء اللّه علیهم خلاف ادبست ذکرهای نالایقهٴ این عبد ولکن از جمیع امید عفو است از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینمایم کل را بطراز وفا مزیّن دارد و بر صراط امر مستقیم بدارد هیچ ذکری از این محبوب‌تر بنظر نمیآید انّه لهو الشّاهد البصیر

عرض دیگر آنکه متّصلاً آثار قلم آنمحبوب میرسد اینفقره بسیار خوبست و مقبول است ولکن باید موافق حکمت واقع شود چنانچه از قبل عرض شد بعضی از نفوس بکلمه‌ئی میآیند و بکلمه‌ئی میروند لم ادر الی من یذهبون و ایّ وجه یریدون باری این نفوس باندک کدورتی آنچه واقع میشود ذکر مینمایند و شاید این سبب تحریک شود در هر صورت باید آنحضرت بحکمت ناظر باشند اگر بشود بقسمی ارسال شود که احدی مطّلع نشود محبوبست والّا چندی توقّف اولی است و اینفقره بنظر خود اینعبد آمد که ذکر نمود چه که مشاهده شد که حقّ جلّ کبریائه بسیار در امر حکمت امر مبرم نازل فرموده انّه لهو العالم الحافظ النّاصر المقتدر القدیر

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۸ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۱۰:۳۰ قبل از ظهر